

آداب و رسوم مردم هندوستان در نوروز

کشور هندوستان که در شبه قاره هند قرار دارد یکی از قدیمی ترین کشورها و تمدن های موجود در جهان است که با مردم ایران از لحاظ نژاد آریایی و ریشه های تاریخی و تمدنی بسیار نزدیک است.



کشور هندوستان که در شبه قاره هند قرار دارد یکی از قدیمی ترین کشورها و تمدن های موجود در جهان است که با مردم ایران از لحاظ نژاد آریایی و ریشه های تاریخی و تمدنی بسیار نزدیک است.

جشن نوروز در این کشور نیز برگزار می شود و به نوعی در این کشور آیین نوروز با مذاهب مختلف این کشور نیز گره خورده است.

جشن هولی همان جشن نوروز در میان مردم هندوستان است. این جشن به مدت پنجاه روز در فصل بهار برگزار می شود. هندیان در معابد هر روز از گولال، پودر رنگی، برای استحمام مذهبی خدایان استفاده می کنند. آیین این جشن طی دو روز به انجام می رسد.

در روز اول در هنگام غروب یا شب هنگام آتشی بزرگ روشن می شود. قبل از آن، آتش بزرگ دیگری بر روی مکانی که از قبل آماده شده، روشن می شود و تمثالی از هولیکا که از خیزران و بوریا ساخته شده در حرکتی دسته جمعی و منظم به همراه خوانندگان و نوازندگان محلی به وسیله برهمن ها به محل حمل می شود. تمثال در وسط آتش گذارده می شود و دستیار برهمن هفت بار آن را طواف می کند و قبل از اینکه آنرا آتش بزنند، اشعاری را در ستایش هولی ذکر می کند.

مفهوم آن اشعار جملات زیر است:

روشن کردن آتش به عنوان نمادی از نابودی تمام شرهایی که در انسان وجود دارد
دعا به درگاه خدا برای رفاه و بهبودی بشر

سپس مردم به خانه هایشان بر می گردند. در روز دوم از صبح تا ظهر مردم با هر عقیده مذهبی بر سر و روی دوستان و خویشان گرد رنگ می ریزند. یا با آبفشان آب رنگی بر سر و روی هم می پاشند. در غروب همانروز مردم شیرینی تعارف می کنند و دوستان سه بار همدیگر را در آغوش میگیرند و برای هم آرزوی خوشبختی می کنند.

این جشن همزمان با ماه فوریه و مارس است و اصل آیین در دو روز برگزار می شود. پسرها و افراد کاست های پایین تر به خیابان ها می ریزند و با سرنگ، آب رنگی بر سر و روی هم می پاشند.

اما مسن ترها گرد قرمز را به آرامی روی صورت هم می ریزند. مردم از رنگین شدن لباس هایشان ناراحت نمی شوند. در غروب همان روز مردم شیرینی تعارف می کنند و دوستان سه بار همدیگر را در آغوش می گیرند و برای هم آرزوی خوشبختی می کنند. کودکان و نوجوانان برای ادای احترام بر پاهای بزرگترهایشان دست می کشند.

هالی (جشن رنگ ها) یکی از بزرگترین و قدیمی ترین جشن های هند است که همه ساله برگزار می شود و نشان دهنده زنده شدن طبیعت و فرارسیدن فصل بهار و پیروزی نیکی بر بدی است. مردم از تمام طبقات اجتماعی با پاشیدن آب های رنگی یا پودر رنگی به یکدیگر این آیین را با شور و شادی برگزار می کنند.

در ایالت پنجاب، 171#& سیک؛ها مراسم 171#&؛ هولا مو هالا؛ را یک روز بعد از مراسم هولی با شادمانی فراوان برگزار می کنند.

بر اساس افسانه ای، روزگاری شاه مقتدری به نام 171#&؛ هیرانکاشیپور؛ بر زمین حکمرمایی می کرد. تکبر او به حدی بود که

دعوی خدایی کرد و به مردم فرمان داد تا او را بپرستند. اما «پراهلد«، تنها پسر شاه، از پذیرفتن پدرش به عنوان خدا امتناع کرد زیرا او فقط به «راما«، یکی از صور تجلی «ویشنو«، اعتقادی راسخ داشت.

شاه برای پسرش به انواع تنبیه های خشن متوسل شد و حتی کمر به قتل او بست. اما هر بار پراهلد نام ویشنو را بر زبان می آورد و نجات پیدا می کرد.

بالاخره «هولیکا«، عمه ی پراهلد، با ادعای اینکه آتش بر او اثر ندارد، کودک (پراهلد) را در دامنش گرفت و در آتش نشست تا او زنده زنده در آتش بسوزد (اما در واقع قصد نجات او را داشت) وقتی شعله های آتش خاموش شد، پادشاه دریافت که کودک نجات یافته اما عمه اش در آتش هلاک شده است.

افسانه دیگری که با هولی ارتباط دارد، درباره ی قتل «کامای زیبا«، خدای عشق، به دست «شیوا« است.

بر اساس این افسانه زمانی که شیوا در حالت تفکر عمیق فرو رفته بود، «پرواتی«، دختر «هیمالیا«، که سخت دلبسته شیوا بود، می خواست با او وصلت کند. اما شیوا که یک مهابوگی بود، توجهی به او نشان نمی داد.

کاما برای اینکه شیوا را عاشق پرواتی کند، حواس او را پرت می کند. شیوا بر او خشم گرفت و بی درنگ این خدای کمان دار (کاما) را به تلی از خاکستر تبدیل کرد. شیوا بعدها با شفاعت پرواتی زندگی را به کاما برگرداند.

بر اساس روایت دیگری، هولی همان شیطان مونث «پوتانا« است که در «سریمادب ها گاواتا« نقل شده است که سعی کرد با گذاشتن سینه زهرآگین اش در دهان کریشنا ی کودک او را از پا در آورد.

کریشنا که می دانست با چه کسی سروکار دارد، چنان محکم سینه ی پوتانا را مکید که جان از بدنش خارج شد این افسانه ی مشهور اضافه می کند که بدن مرده ناپدید شد و بنابر این گاو چرانان ماتهورا تمثال او را سوزاندند. از آن به بعد ناحیه ی ماتهورا، زادگاه کریشنا، مکان اصلی برگزاری جشن هولی شد.

مردم استان پنجاب نیز تقریباً دو هفته پیش از هولی، یعنی در اواسط ماه فوریه به همین صورت جشنی برپا می کنند. در آن روز بچه های ده دوازده ساله، چه دختر و چه پسر، در حضور عابرین به مناسبت جشن، ترانه می خوانند و عیدی می گیرند و آن را «لهری« می نامند، و با پولی که از عیدی جمع می شود، شیرینی می خردند و آن را میان دوستان و خویشاوندان پخش می کنند.

تقریباً شش ماه بعد از آن، در آغاز فصل پاییز، جشنی شبیه نوروز می گیرند و به جای هفت سین در مقابل مجسمه زن خدای ثروت، لکشمی، شیرینی می گذارند و تمام شب به این امید بیدار می مانند که شاید آن زن خدا به خانه شان سری بزند و آنها از وی پذیرایی کنند.